

خطبه ی فدکیه ی حضرت زهرا (س)

زهرا ورمزیار

چکیده

زیبایی شناسی، همواره برای انسان ارزشمند و لذت بخش بوده است. یکی از حوزه های زیبایی شناسی، ادبیات است. زیباشناسی در ادبیات عبارت است از کشف گونه های ادبی و ارتباط لفظ با معنا از طریق بررسی های زبانی و از مباحث اصلی آن، بررسی جلوه های بلاغی در کلام است که تشبیه یکی از انواع آن است که بررسی انواع تشبیهات در خطبه فدکیه موضوع این پژوهش میباشد. بدون شک خطبه فدکیه حضرت زهرا (س) به جهت برخورداری از واژگان غنی، تناسب لفظ با معنا و اسلوبهای گوناگون بلاغی، نمونه ی برجسته ی بلاغت در ادبیات عرب است. گرچه، کتاب، پایان نامه و مقالات فراوانی در مورد این خطبه نگاشته شده است، اما در اغلب این آثار، تنها به محتوای تاریخی آن پرداخته شده است. در این پژوهش سعی شده است زیبایی و استواری و متانت سخن این بانو در قلمرو زیباترین واژه ها و مفاهیم که هماهنگ با قرآن و فرهنگ آن آمده است در زمینه انواع تشبیهات در خطبه فدکیه مورد کاوش قرار بگیرد تا گامی هرچند کوچک در جهت کشف جلوه های ادبی این خطبه برداشته شود، و به عنوان مصداق عینی بلاغت جهت استفاده ی علاقمندان به مباحث ادبی معرفی گردد.

واژگان کلیدی: تشبیه، جلوه های بلاغی، زیبایی شناسی ادبی، خطبه فدکیه، حضرت زهرا(س).

مقدمه

أَبْتَدِءُ بِحَمْدِ مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْحَمْدِ وَالطَّوْلِ وَالْمَجْدِ. أَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ.

اعتقاد اکثر مردم بر این است و معمولاً چنین می‌پندارند که مناقب و فضائل حضرت صدیقّه زهرا (س) فقط به این جهت است که دختر حضرت رسول (ص) بوده است و این مطلب موضوع بسیار مهم و گرانبهائی است که شایسته است درباره‌ی آن مفصلاً بحث و گفتگو بعمل آید. فاطمه الزهراء (س) بانوی بانوان جهان، عطای خداوند سبحان، کوثر پریهای قرآن، کفو و همتای امیر المومنان (ع)، و یکی از علل آفرینش عالم امکان. در آل کساء محور، عزیز قلب پیامبر (ص)، شفیعۀ ی محشر، ولیّۀ الله اطهر، و از یازده فرزند معصومش برتر. در بیان عظمت شخصیت حضرت زهرا (س) همین بس که نبی اکرم (ص) میفرماید: « فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مَنِّي يُؤْذِنُنِي مَا آذَاهَا وَ يُنْصِبُنِي مَا أَنْصَبَهَا ». « فاطمه پاره بدن من است، رنج میدهد مرا آنچه او را رنج دهد و خسته میکند مرا آنچه او را خسته کند » (طهرانی ۱۴۳۱: ۱۳۷).

گفتار معروف، بلیغ و آتشین، و بیدار کننده‌ی فاطمه (س) به لحاظ استواری متن و زیبایی لفظ و ظرافت تعبیر و ژرفای معنا همراه با ویژگی بیان بدیهه‌گویانه‌ی آن، حقیقتی ثبت شده در سینه‌ی قرون و اعصار است و در منابع اسلامی به ویژه منابع اهل سنت آوازه‌ای انکار ناپذیر دارد. متانت و استحکام این گفتار و اسلوب بدیع آن، در دو قلمرو « لفظ » و « معنا » که در قالب زیباترین و دل‌انگیز ترین تعبیرها، ژرف‌ترین و ظریف‌ترین معارف الهی آورده شده است گویاترین دلیل بر صدور قطعی آن از فاطمه (س) است که سزاوار است درباره‌ی آن گفته شود: « دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ »، « آفتاب آمد دلیل آفتاب / گر دلالت باید، از وی رو متاب ». (مولانا مثنوی معنوی بخش ۶)

زیبایی‌شناسی، همواره برای انسان ارزشمند و لذّت بخش بوده است. یکی از حوزه‌های زیبایی‌شناسی، ادبیات است. زیباشناسی در ادبیات عبارت است از کشف گونه‌های ادبی و ارتباط لفظ با معنا از طریق بررسی‌های زبانی و از مباحث اصلی آن، بررسی جلوه‌های بلاغی در کلام است که تشبیه یکی از انواع آن است، و بررسی انواع تشبیهات در خطبه فدکیه موضوع این پژوهش میباشد. بدون شک خطبه فدکیه حضرت زهرا (س) به جهت برخورداری از واژگان غنی، تناسب لفظ با معنا و اسلوبهای گوناگون بلاغی، نمونه‌ی برجسته‌ی بلاغت در ادبیات عربی است در حقیقت این بیان نغز و « فی البداهة » در اوج فلک فصاحت و بلاغت و آفاق بلند حکمت و معرفت است. تا کنون بیشتر تحقیقات بر روی جنبه تاریخی و محتوایی خطبه‌های این بانو بزرگوار بوده است مطالب مستندی وجود ندارد که بصورت دقیق و علمی به بررسی جنبه‌های ادبی مانند تشبیه بر روی این خطبه کار شده باشد به نظر میرسد این خطبه ارزشمند، همانند صاحب خود، همچنان مظلوم و در وادی ادبی گمنام است. از پژوهشهای محتوایی و تاریخی که در

زمینه ی خطبه فدکیه صورت گرفته است و تعداد آن هم کم نیست بگذریم، می بینیم در اغلب موارد تنها به تعریف و تمجید از این خطبه شریفه بسنده شده است. بنابراین بر خود فرض دانستیم تا آنجا که در حد و توان و بضاعت ماست نه آنچنان که در خور و شایسته کلام این بانوی عظیم الشان است خطبه فدکیه حضرت صدیقۀ کبری (س) را از نظر انواع تشبیه مورد بررسی قرار دهیم تا مشخص گردد تشبیهات به کار رفته در این خطبه چگونه است و چه انواعی را در برمیگیرد تا قدرت بیان و جاذبه های کلام حضرت مشخص گردد. در نتیجه پژوهش حاضر بتواند خلاء موجود در این زمینه را جبران کند. امید است که این پژوهش با روش های صحیح و ارائه ی مطالب مستند گامی در جهت آگاه سازی بیش تر جامعه ی ادبی، بخصوص علاقه مندان به عرصه ادبیات عرب بردارد.

از میان شرح هایی که درباره این خطبه نوشته شده است میتوان به این شروح اشاره نمود:

۱) شرح خطبه حضرت زهرا (س) نوشته آیت الله سید عزالدین حسینی زنجان است که به کوشش سید محمد حسینی توسط دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در مؤسسه بوستان کتاب در سال ۱۳۸۳ به چاپ رسیده است که به بررسی و شرح خطبه حضرت زهرا (س) پرداخته است. از جمله کتاب هایی که در این زمینه نوشته شده عبارتند از:

۲) منشور دادخواهی (نگاهی نو بر خطبه معجزه آسای فاطمه (س)) است که نویسنده آن علی کرمی فریدنی است که در شهر قم توسط انتشارات دلیل ما به چاپ رسانده است. که نویسنده در این کتاب سعی نموده است با دیدی تازه و نو به بررسی خطبه حضرت زهرا (س) پردازد و جلوه ای از زیبایی کلام آن حضرت را به خوانندگان نشان دهد.

۳) کتاب بلاغات النساء نوشته ابن ابی طاهر، معروف به ابن طیفور در سال ۱۳۲۶ ه. ق. النساء در شهر قم انتشارات الشریف الرضی به چاپ رسیده است که در آن کتاب به بررسی سخنان بانوان بزرگ عرب و جهان اسلام پرداخته است.

ارتباط تشبیه با علم بیان

به وسیله علم معانی، متکلم میتواند کلام را مطابق مقتضای حال و مقام بیاورد و به کمک علم بیان، میتواند تعقید (ابهام لفظی و معنوی) را از کلام مطابق با مقتضای حال و مقام برطرف کند. از این جهت

رتبه ی علم بیان بعد از علم معانی است و از مجموع معانی و بیان علم بلاغت حاصل میشود. علم بیان سه باب به نام های تشبیه، مجاز و کنایه دارد. تشبیه مقدمه استعاره است و استعاره جزئی از مجاز و مجاز، مقابل کنایه (مقابل از جهت اینکه اراده و معنای ملزوم در کنایه جایز و در مجاز ممتنع است) و هر سه (تشبیه، مجاز و کنایه) در فایده علم بیان (برطرف کردن تعقید معنوی از کلام) شرکت داشته و در تعریف علم بیان (تعبیر از یک معنا با عبارت های گوناگون) داخل می باشند.

ارتباط تشبیه با علم بیان از جهت آن است که علاقه ی استعاره مشابَهت است و بدون آن محقق نمیشود چنان که مجاز های مرسل به علاقه های خودشان (سببیت، مسببیت، حال، محلّ و ...) مربوط اند و بدون آنها ایجاد نمیشوند سؤال مهم آن است علماء بلاغت برای تشبیه در کتب خود باب مستقلی قرار داده و برای سایر علایق (مجاز سببیت، مسببیت، حال، محلّ و ...) چنین نکردند. چرا؟

جواب: این به خاطر ارزش و اهمّیت تشبیه است که در ذیل بیان می گردد.

مباحث تشبیه

تشبیه، که به معنای شبیه کردن چیزی است به چیزی، شیوه ای است در کلام با این ویژگی ها:

- 1- مقاصد را آسان و سریع، به مخاطب منتقل میکند.
- 2- تشبیه، صرف نظر از اینکه شرط استعاره است، خود به تنهایی موجب شیوایی و زیبایی سخن است.
- 3- ملاحظت و زیبایی استعاره بیش از سایر مجازها است و این به دلیل وجود تشبیه با استعاره است.
- 4- کثرت استعمال استعاره نسبت به سایر مجازها؛ این کثرت، به خاطر آن است که علاقه استعاره، تشبیه است. برای تشبیه هفت بحث است:

تشبیه لغوی؛ تشبیه اصطلاحی؛ ارکان تشبیه (مُشَبَّه، مُشَبِّه به، وجه شَبَه، ادات تشبیه)؛ مراتب تشبیه؛ غرض از تشبیه؛ تشابه دو شیء؛ علل حُسن تشبیه.

تشبیه لغوی

تشبیه لغوی عبارت است از «الدَّلَالَةُ عَلَى مُشَارَكَةِ أَمْرٍ لِأَمْرٍ فِي مَعْنَى» یعنی دلالت بر شرکت چیزی با چیز

دیگر در معنایی. منظور از معنا، وجه شبّه است. مثل «وَجْهٌ زَيْدٍ كَالْقَمَرِ» وجه شبّه، حُسن و زیبایی است که زید و قمر در آن مشترک اند.

موارد تشبیه لغوی

تشبیه لغوی شامل چهار مورد ذیل است:

1. تشبیه اصطلاحی که بخشی از تشبیه لغوی است و تعریف آن ذیل تشبیه اصطلاحی بیان میشود.
2. استعاره: زیرا هر استعاره ای در معنا با تشبیه همراه است ولی در لفظ به خاطر مبالغه باید نشانه ای از تشبیه در آن نباشد
3. تشبیه ضمنی که تشبیه آن از ضمن کلام فهمیده میشود و به این جهت «کنایی» یا «مکنیّ عنه» نیز گفته شده است.
4. بعضی از صُور «تَجْرِید» یعنی تجرید حرفی نه کنایی (امین شیرازی، 1372، ج 4) مانند «لَقِيتُ مِنْ زَيْدٍ أَسْدًا». اصل این مثال؛ تشبیه «زید» با «أَسَد» بوده ولی درباره «زید» به قدری مبالغه شده که گویا از او «أَسَد» انتزاع گردیده و اینک تشبیه نیست.

برخی موارد تشبیه لغوی در خطبه فدکیه

وَكَانَ جِبْرِيلُ بِالْآيَاتِ يُؤْنِسُنَا فَقَدْ فَقِدْتَ وَ كُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَجِبٌ

ترجمه: تا تو در جمع ما بودی جبرئیل با آیات آورده اش مأنوس ما بود، همان که تو ما را ترک کردی، گویی تمامی خیرات نیز از ما روی برتافت (حسینی، ۱۳۹۲: ۴۵).

در اینجا مشبه (غم از دست دادن پیامبر است) که تشبیه شده به (روی گرداندن همه ی خیرات از آنها) به نحوی که به نظر میرسد درباره مشبه، به گونه ای صحبت شده که گویا مشبه به از آن انتزاع شده است. به عبارتی میخواهد بگوید تا پیامبر (ص) هست همه ی خیرات و برکات گشوده است به محض ازدست دادن ایشان همه خیرات هم از دست رفت.

تشبیه اصطلاحی

تشبیه مؤکد در خطبه فدکیه حضرت زهرا (س)

منسی با اضافه:

سَمَلْ جَلْبَابُ الدِّينِ : اصل تشبیه: سَمَلْ الدِّینُ کالجلباب. که مشبه در اینجا (الدین) و مشبه به (الجلباب) است. منسی بودن ادات با مقدّم شدن «مشبه به» بر مشبه، و اضافه شدنش به مشبه صورت پذیرفته است.

دَارَتْ لَكُمْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ. اصل تشبیه: الاسلام کرحی. که مشبه در اینجا (الاسلام) و مشبه به (رحی) است.

منسی بودن ادات با مقدّم شدن «مشبه به» بر مشبه، و اضافه شدنش به مشبه صورت پذیرفته است.

مراتب تشبیه

منظور از مراتب تشبیه، قوّت یا ضعف تشبیه از جهت ذکر همه یا بعضی از ارکان است. ارکان تشبیه چهار است: مشبه، مشبه به، وجه شبه و ادات تشبیه. احتمال حذف همه ی ارکان متصوّر نیست ولی امکان ذکر همه ی ارکان یا حذف سه، دو یا یک رکن هست و تشبیه بر حسب این حالات به سه مرتبه ی قوی، متوسط و ضعیف تقسیم میشود، زیرا مشبه به حتما باید ذکر شود و با آن یا مشبه می آید یا نمی آید و در هر یک از این دو، یا ادات ذکر می شود یا ذکر نمی شود و با هر یک از این چهار، یا وجه شبه در کلام می آید یا نمی آید. پس مجموع احتمالات هشت است دو قوی. چهار متوسط، و دو قسم ضعیف میباشد.

قوی

قوی شامل دو بخش است: الف) حذف سه رکن؛ مشبه، وجه شبه و ادات. مانند: «صَمَّ بُكُمْ عُمَى فَهَمْ لَا يَرْجِعُونَ» (قرآن، بقره: 18) که مشبه به ذکر شده و سه رکن دیگر حذف گردیده و در اصل «هم كَصَمٍّ وَ كَبُكْمٍ وَ كَعُمَى فِي عَدَمِ الْقُدْرَةِ وَ الشُّعُورِ» بوده است. ب) حذف دو رکن؛ وجه شبه و ادات. مانند: «هَنَّ كَالْبَاسِ لَكُمْ فِي الصِّيَانَةِ وَ الْحِفَاظَةِ» بوده است مشبه و مشبه به باقی مانده است. علت قوت، وجود تأکید و مبالغه است.

تشبیه قوی در خطبه فدکیه

أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ، نَصَبُ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ وَ حَمَلَةُ دِينِهِ وَ وَحْيِهِ. اصل این تشبیه بدین صورت است: انتم کنصب امره و نهیه و حمله دینه و وحیه فی حفظ الاسلام. که مشبه (انتم) و مشبه به (نَصَبُ امره و نهیه و حمله دینه و وحیه). شما پرچم های برافراشته امر و نهی خدا و حاملان دین و وی اوید. که علت قوی بودن این تشبیه حذف ادات و وجه شبه است بنابر این هر دو سبب را دارد پس تشبیه قوی به حساب می آید.

تشبیه متوسط در خطبه فدکیه

وَ نَصِيرٍ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ وَخَزِ السِّنَانِ فِي الْحِشَاءِ. ضمیر مستتر (نحن) در نصبرمشبهه است. و (مثل) ادات تشبیه می باشد و (وخز السنان فی الحشاء) مشبه به است. و وجه شبه نیز در اینجا محذوف است.

معنی مشبه به

اگر وجه شبه در یکی از دو مشبه به قوی تر باشد. در تشبیه قوت وضعف بوجود می آید. چنان که گاهی زید، را به شیر و گاهی به پلنگ و زمانی به گرگ، تشبیه میکنند و معلوم است که تشبیه اول از دوم و تشبیه دوم از سوم قوی تر است. و این قوت از جهت مشبه به است.

معنای ادات

ادات تشبیه بر قوت وضعف تشبیه مؤثر است. مثلاً «کاف» در «زید کالأسد» و «کأن» در «كأنَّ زیداً اسدً» و «علمتُ زیداً اسداً» بر تشبیه دلالت دارند ولی معنی آنها در قوت وضعف تشبیه متفاوت است، زیرا کاف، تشبیه مطلق و «كأنَّ» تشبیه ظنی و گمان نزدیک به علم و «علمتُ» تشبیه یقینی را می فهماند و این تفاوت از جانب ادات است.

غرض از تشبیه

بحث از غرض تشبیه، جزء مباحث وجه شبه است، زیرا تشبیه، فعل متکلم است و غرض از آن «الحاق شیء ناقص در وجه شبه به شیء کامل در وجه شبه» می باشد. اگر غرض، الحاق ناقص در

وجه شبه به کامل نباشد بلکه بیان مشابهت دو شیء باشد از عنوان تشبیه خارج میشود.

الحاق ناقص به کامل

غرض از تشبیه «الحاق شیء ناقص در وجه شبه به شیء کامل در وجه شبه» است. کامل در وجه شبه دو قسم است: واقعی و ادّعایی. به کامل واقعی، تشبیه مستوی و به کامل ادّعایی، تشبیه معکوس میگویند. تشبیه مستوی به خاطر اغراض هفت گانه و تشبیه معکوس به خاطر اغراض دوگانه آورده میشود. در تشبیه مستوی اگر اغراض هفت گانه رعایت شده باشد به آن «تشبیه مقبول» و اگر نشده باشد به آن «تشبیه مردود» می گویند.

تشبیه مستوی در خطبه فدکیه

تَجَهَّمَتْنَا رِجَالٌ وَاسْتُخِفَّ بِنَا
لَمَّا فُقِدَتْ وَ كُلُّ الْأَرْضِ مَعْتَصَبٌ

ترجمه: دیگر کسان به ما ترش رویی کردند و ما را خوار نمودند هنگامی که تو از میان ما رفتی گویی تمام کره ی خاکی غصب شد و به تاراج رفت. (حسینی، ۱۳۹۲: ۴۵) (لَمَّا فُقِدَتْ) در این عبارت مشبه است و ادات تشبیه محذوف میباشد (و كُلُّ الْأَرْضِ مَعْتَصَبٌ) مشبه به می باشد که وجه شبه شدت غم و اندوه که در مشبه به بیشتر است چون محسوس است محسوس بودن مشبه به، سبب تقریر بیشتر در ذهن شنونده می شود. زیرا معقول را بوسیله محسوس زودتر میتوان فهمید و دارای غرض تقریر از اغراض هفتگانه تشبیه مستوی است و چون وجه شبه در مشبه به کامل تر است این تشبیه مقبول به حساب می آید.

تشبیه مقلوب

مقلوب یعنی قلب شده ی تشبیه مستوی از جهت آنکه وجه شبه در مشبه، کامل تر از مشبه به است. با آنکه در تشبیه مستوی، وجه شبه در مشبه به کامل تر بود. به عبارت دیگر در تشبیه مستوی، فایده تشبیه، به مشبه راجع است و در تشبیه مقلوب فایده تشبیه، به مشبه به رجوع می کند به جهت آنکه حکم مشبه به را باید از مشبه فهمید. به تشبیه مقلوب معکوس نیز گفته میشود.

نمونه ای از تشبیه مقلوب در خطبه فدکیه

ظَهَرَتْ فِيْكُمْ حَسِيْكَهُ النِّفَاقِ. ترجمه: در میان شما خا ر نفاق پدیدار شد. (همان، ۳۱). که ویژگی دورویی در مشبه (نفاق) از مشبه به (حسیکه) بیشتر است بنابراین تشبیه مقلوب می باشد.

نتیجه گیری:

از آنجا که تا کنون بیشتر تحقیقات بر روی جنبه تاریخی و محتوایی خطبه های حضرت زهرا(س) انجام شده است مطالب مستندی وجود ندارد که بصورت دقیق و علمی به بررسی جنبه های ادبی مانند تشبیه بر روی این خطبه کار شده باشد به نظر می رسد این خطبه ارزشمند، همانند صاحب خود، همچنان مظلوم است. در نتیجه این پژوهش به منظور بررسی انواع تشبیهات در خطبه فدکیه کار خود را آغاز نمود پس از مطالعات فراوان مشخص شد خطبه حضرت زهرا (س) بسیاری از انواع تشبیهات را شامل میشود که ایشان با استفاده از تشبیه مفهوم و مقصود خود را در قالب زیباترین تعبیر به مخاطب خود منتقل نموده اند و بدین وسیله رفع ابهام کرده تعقید از میان رفته است.

حضرت زهرا ی مرضیه (س) سیدنساء العالمین دلیل آفرینش هستی فخر بشریت ، نمونه ی والای انسان کامل و دارای ولایت کبری بر همه ی شیعیان هستند به نظر میرسد ما به عنوان شیعیان و دوستداران این بانوی گرانقدر حداقل کلام ایشان را مورد مطالعه قرار دهیم تا علاوه بر دریافت معارف و آموزه های دینی از نظر ادبی نیز سخنان ایشان را مورد کاوش قرار دهیم که روشن می گردد ایشان علاوه بر رهبریت دینی ما از نظر سخنوری و دستور زبان و ادبیات عرب و به کار بردن جلوه های زیبایی ادبی در حد اعلایی از فصاحت و بلاغت هستند به خاطر حجم عظیم مطالب متاسفانه این امکان فراهم نشد تا خطبه صدیقه کبری (س) از نظر وجوه فصاحت و بلاغت مورد کاوش قرار گیرد ان شا الله این پژوهش مقدمه ای باشد برای آشکار شدن هر چه بیشتر زیبایی های کلام آن حضرت. و دانش پژوهان و دوستداران ادبیات عرب بر روی سایر جنبه های ادبی کلام ایشان کار بنمایند.

منابع

- قرآن کریم

- ۱- ابن ابی طاهر، احمد بن ابی طاهر. (۱۳۲۶ ه ق). بلاغات النساء. قم: الشریف الرضی.
- ۲- حسینی، حسین. (۱۳۹۲). شکوه یاس (مقدمه، متن، ترجمه خطبه فدک). تهران: منیر.
- ۳- حسینی طهرانی، محمد حسین. (۱۴۳۱ ه ق). رساله موّدت. مشهد: نور ملکوت قرآن.
- ۴- زنجانی، عزالدین حسین. (۱۳۸۳). شرح خطبه حضرت زهرا (س). چاپ چهاردهم. قم: بوستان کتاب.
- ۵- سعدی، ابومحمّد مُشرف‌الدین مُصلح بن عبدالله بن مشرّف، (۱۳۲۷) دیوان سعدی. به خط علی نقی شیرازی. شیراز: دارالعلم.
- ۶- سعدی، ابومحمّد مُشرف‌الدین مُصلح بن عبدالله بن مشرّف، (۱۳۲۷) دیوان سعدی. به خط محمود بن علی نقی شیرازی. شیراز: دارالعلم.
- ۷- شیرازی، احمد امین. (۱۳۷۲) آیین بلاغت، ج ۴. شرح مختصر المعانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۸- شیرازی، احمد امین. (۱۳۹۴). بلاغت روان با حدیث و قرآن. قم: بوستان کتاب.
- ۹- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ ه ق). بحار الانوار. ج ۵۳. تهران: دار احیاء التراث العربی.
- 10- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد. (۱۳۸۹). مثنوی معنوی. ج ۶. تهران: کندر.